

## اثرات تعلیم و تربیت آمریکائی در زندگی اجتماعی

در حیات اقتصادی — آزادی، ابتکار، جسارت و سرعت — تفوق کارگران آمریکائی — نصاب «کارنهگی» میلیارد آمریکائی — کوشش منبع ثروت و ترقی است — مردم از حیث کوشش چهار طبقه‌اند — عشق «ادیسون» بکار — زندگانی فامیلی و آزادی عقاید در آمریکا،

زندگانی اجتماعی نیز در آمریکا در نتیجه تعلیم و تربیت شکل مخصوصی بخود گرفته که از چند جهت امتیاز و تفوق بر زندگانی اجتماعی ملت‌های اروپا دارد. از آنجا که فلسفه استقلال و عملیت شالوده طرز تعلیم و تربیت آمریکائی است تظاهرات این فلسفه در رشته‌های گوناگون زندگی نیز دیده میشود و این تظاهرات را در چهار کلمه میتوان خلاصه کرد و آن این است: آزادی، ابتکار، جسارت و سرعت. حالا اثرات این چهار عنصر ترقی را در حیات اقتصادی و اجتماعی آمریکا مختصراً از نظر بگذرانیم:



### ۱ — در حیات اقتصادی

عشق بتجدد و تکمیل، همه موانع را که در ممالک دیگر جلو ترقی را میگیرد در آنجا از میان برمیدارد و سابق ترقی می‌شود. محافظه کاری در کارها و در تأسیسات اجتماعی و بخصوص

اقتصادی چندان راه ندارد و ازین حیث اختراعات و کشفیات پیش از ممالک دیگر در آنسر زمین رونما میشود. این عشق بتجدد يك جرئت فوق العاده در تأسیس شرکتها و صرف سرمایه و دور انداختن وسایل کهنه می بخشد. يك فابريك وقتیکه دید يك اصلاحی جدید در ماشینهای او مستلزم يك ترقی است و لو اینکه این اصلاح ماشینهای امروزی او را بی مصرف و عاطل خواهد گذاشت و ملیونها خسارت از آنرو وارد خواهد شد باز بدون تردید آن اصلاح را میکند و آن تجدد را از قوه بفعل میآورد! این جسارت در ممالک اروپائی کم است و یکی از علتهایی که هنوز در اروپا منع مسکرات را نمی تواند قانونی کنند همین است چونکه میگویند ملیونها ضرر مادی دارد و چندین فابريك افلاس میتواند کند و صد هزارها کارگر بی کار میماند! ولی اینرا حساب نمیکنند که با این مسکرات سالیانه صد هزارها ناخوش و جانی بعمل میآید و ملیونها ثروت مردم صرف این زهرهای صحت و اخلاق میگردد و این زهرها علاوه بر مضرات زیاد که دارد از قدرت سعی عمله هم که مولد ثروت است ملیونها میکاهد!

در نتیجه این دو صفت که عشق بتجدد و جسارت است قوه ابتکار و اختراع و سرعت عمل زائیده می شود و این سرعت عمل در اروپا نظیر ندارد چنانکه می بینیم هر فکر جدید و هر اختراع تازه در آنجا بسرعت برق بموقع اجرا گذاشته می شود. در تأسیس و آباد کردن شهرها این سرعت خارقه بخوبی نمایان است و گاهی در جراید خوانده می شود که در فلان جنگل و در ساحل فلان دریا و رودخانه شهر نوی می سازند و پس از چند ماه مینویسند که عدد عمارتهای آن شهر بهزارها رسیده است! این سرعت در تأسیس شهرها را یکی از جراید فکاهی برلین با چند قطعه نقشه های رنگین

درین اواخر تصویر کرده بود که اشاره بآن بی مزه نیست :  
 مردی از اهالی شهری بزرگ در آمریکا برای استراحت و تنفس  
 کتابی با خود برداشته و يك جنگلی که در اطراف شهر بوده می‌رود  
 و در میان درختها دور از قیل و قال و جنجال قبای خود را در  
 آورده روی علفها دراز میکشد و خدا را شکر میکند که از بوی  
 اتومبیل و صدای وسایل نقلیه و تاریکی و تنگی کوچه‌های شهر  
 خلاص یافته است ! در آنجا مشغول مطالعه کتاب خود میشود. پس  
 از يك ساعت که سر خود را بلند میکند می‌بیند که در یکطرف  
 جنگل چند خانه ساخته شده که اول آنجا نبود. باز مشغول خواندن  
 می‌شود و همینکه سر بلند میکند می‌بیند که تقریباً همه درختها کنده  
 و بجای آنها خانه کاشته شده است و خیال میکند که شاید خواب  
 می‌بیند باز مشغول میشود و پس از یکساعت می‌بیند که کسی دست  
 بشانه او می‌زند و صدا میکند ! سرش را برمیگرداند می‌بیند که پلیس  
 است و میگوید که آقای محترم هیچ خجالت نمیکشید که در وسط  
 شهر و در میان میدان عمومی باین وضع دراز کشیده‌اید؟ مرد  
 وقتی که باضراف خود نگاه میکند می‌بیند واقعاً در میان میدان  
 عمومی شهر است که اطراف همه خانه‌های عالی و کوچه‌های  
 منظم پر از وسایل نقلیه و مردم زیاد در رفت و آمد هستند و او  
 در میان میدان دراز کشیده است ! ...

در نتیجه همین قوه ابتکار است که آمریکائی در خصوص ترقی و  
 تجدد، ملیت نمیشناسد و يك اختراع و کشف را از هر جا و از هر که  
 باشد قبول میکند ولی این صفت در ملل اروپا نیست و بعضی خیالات  
 و موهومات ملی و تعصب نژادی آنها را مانع از قبول يك اختراع  
 جدید و یا از ترك کردن يك طرز کهنه و قدیم خود می‌شود و  
 اینحال بیشتر در ملل لائینی مشهود است ! بدین جهت اغلب اختراع

کنندگان اروپا بطرف آمریکا رهسپار می‌شوند و در آنجا از هر ملتی و در هر رشته باشد هر اختراع جدید و اصلاح تازه را با مکافات لایق و تشویق کافی می‌پذیرند.

از حیث معلومات و قدرت و تفکر و مهارت و چیره دستی و انتظام، کارگران آمریکائی بر کارگران اروپائی فایزند و ازینجهت اجناس و امته را غالباً از اروپا ارزانتر و بهتر بعمل می‌آورند:

دکتر «بویز» رئیس «دارالفنون کار» در بلژیک که ذکر آن گذشت در کتاب خود می‌نویسد: «کارگران آمریکائی نمونه‌آسانی برای کارگران آینده اروپا هستند. در هر کار که لایق نام مسلك می‌باشد کارگر آمریکائی صاحب معلومات و عرفان است. در تمام صنعتخانه‌ها بواسطه ماشینها و آلات مکمل راه قناعت کردن از کارهای دستی و وقت انسانی را تعقیب میکنند. استعمال و اداره کردن این آلات و ادوات بطور مهارت، بیش از عضلات قوه دماغ لازم دارد و بیش از قوه بدن، دقت و قرار سریع و چیره دستی را مستلزم است! این همه تکمیلات و تجدیدات سریعه که در آلات و ادوات و طرز مساعی دیده می‌شود و صنایع آمریکا را بدین مقام بلند رسانیده است در نزد کارگران و مدیران و رؤسای کارخانه‌ها بعضی خصایص فوق‌العاده تولید کرده و این خصایص پیش از بدنی، غالباً عقلی می‌باشد. مدارس صنعتی همیشه جهد میکند که این نوع خصلتها را در افراد جوان نژاد آمریکا تنمیه و تثبیت نماید!» از کتاب «امپراطوری کار» که میساردز آمریکائی «کارنه‌جی» نوشته است نیز چند سطر را ترجمه میکنم که روح تشبث و عقیده آمریکائی را در آن باب نشان میدهد:

«از اقدام بهر کار و هر تجارت نرسید زیرا در آمریکا هیچ يك رشته آزاد تجارتي نیست که بوسیله سرمایه‌های مردم ذکی و

ماهر و در تحت نظارت دائمی آنها تأمین منفعت نکند! در هر تجارت يك موسم هست که دخل و قلع در آن موسم بدست نیاید. مثلاً سالها میشود که فابریکها فقط برای بیکار نگذاشتن کارگران مشغول میشوند و مجبور هستند که برای نگاهداشتن اجناس خود در بازار تجارت آنها را بضرر خود بسازند و ارزان بدهند. لیکن از طرف دیگر هر گونه امتعه که مایحتاج مردم است در صورتیکه فروش آنها خوب اداره شود منافع بزرگ تأمین میکند. این شرط نخستین موفقیت است؛ شما عزم و قوای خودتان را با سرمایه خود یکی کرده يك کار متحصر کنید و اگر سررشته کاری را بدست آوردید آنرا از دست ندهید و تا آخر آن و تا آن روزیکه موفق بشوید تعقیب نمائید. هر گونه تجدد و تکمل را قبول کنید و بعمل بیاورید. بکوشید تا دارای بهترین ماشینها و آلات و بهترین معلومات بشوید!

زندگانی اجتماعی و اقتصادی آمریکا محصول اینگونه عقاید و تربیت است. و يك کله میتوان گفت که سعی و عمل، یگانه عامل ترقی و تجدد و تفوق آمریکا میباشد. بچهها از کوچکی در آغوش مادر و در میان خانواده و در روی نیمکت های مدرسه با صفات عالی و سجایای قدرت بخش بزرگ می شوند و از همان کوچکی این قدرتهای خود را بمیدان تجربه و امتحان گذاشته و زندگانی را از حیث مثبت و عملی یاد میگیرند!

آیا در میان همه صفات بارزه که يك آمریکائی داراست کدام یکی در حیات اجتماعی کارگتر است و آیا کدام صفت ممتازی است که ملت آمریکا را قادر بر تحصیل این عظمت و این خزاین ثروت کرده و او را بر اقوام دیگر جهان برتری بخشیده است؟ آیا چیست آن اکسیر اعظم که خاک این مملکت را اینهمه زر خیز

و مردمان آنجا را تا این درجه زنده نگاه میدارد و همیشه بطرف ابتکار و تجدد و جسارت و سرعت سوق میدهد؟ منبع این قدرت عظمی را باید در کوشش پیدا کرد. یکی از ممتازترین خصال این ملت این است که کوشیدن و کار کردن را نه تنها دوست میدارد بلکه يك تعشق غریب بکوشش دارد و کوشیدن را يك امر آسمانی، يك وظیفه وجدانی و يك لذت روحانی میداند. در نزد هیچیک از ملت‌های روی زمین، حس وظیفه شناسی و عشق سعی و کوشش بقدر این ملت نشو و نما و تکامل نکرده است و این طبیعت، یکی از اسرار ترقی و تمدن حیرت بخش آمریکا باید شمرده شود.

مگر نه کوشش، نخستین و قاهرترین قانون خلقت و تکامل است؟ مگر نه این است که این زمین ما که در ادوار ابتدائی خلقت جز يك توده آب و گل چیز دیگر نبوده این همه آثار عمران و آسایش و ترقیات گوناگون را از رنج دست کوشش افراد بشر در خود جمع کرده است. آیا ملائکه آسمان و یا وحوش و طیور زمین ما را آباد کرده و با این همه اختراعات عجیب و غریب آن را بحال کنونی در آورده اند؟ آیا جز کوشش دائمی بشر چه معجزه دیگر درین ترقیات شغل فریبنا پیدا میتوان کرد؟ بلی کوشش، نخستین تجلی قدرت، نخستین قانون خلقت و نخستین چرخ گردونه سعادت است!

مردم را از نقطه نظر کوشش بچهار طبقه میتوان تقسیم کرد بدینقرار:

- ۱- کسانی که اصلاً کار کردن را دوست ندارند و زحمت می‌شمارند و از کار میگریزند.
- ۲- کسانی که کار را از روی اجبار میکنند و این اجبار یا

از خارج است یا از باطن خودشان ولی بی محبت  
و بی برکت است!

۳ — کسانی که کار را از روی میل و ذوق شخصی بدون  
هیچگونه اجبار بعمل می‌آورند.

۴ — کسانی که کار کردن را وظیفه حتمی خود میداند ولو  
اینکه محتاج آن نباشند و برعکس کار نکردن را يك  
زحمت و بدبختی و اسارت میداند و یگانه لذت  
زندگی را در کار کردن می‌یابند.

طبقه اول و دوم در ممالک مشرق زمین و طبقه سیم و چهارم  
در اروپا و بخصوص در آمریکا اکثریت دارد و هدف تعلیم و  
تربیت صحیح، حاضر کردن افراد است برای نوع چهارم از کار  
یعنی تربیت صحیح جوانان را طوری پرورش میدهد که از کار  
کردن يك ذوق بسیار بزرگ و يك لذت بی اندازه حس میکنند و  
بیکاری را يك عذاب و شکنجه می‌شمارند و واقعاً هم چنین است.  
من هر روز صبح شکر خدا را بجا می‌آورم که بقدر کفایت کار بمن  
داده و قدرت ایهای آنرا هم بخشیده است و سخت‌ترین و تاریک‌ترین  
روز برای من روزی است که نتوانم کار بکنم.

بلی باید بدرجه رسید که نه تنها کار را دوست داشت بلکه  
تعشق پیدا کرد و برآستی از کار لذت همان عشق را حس نمود.  
اغلب بزرگان و علما در تعشق بکار و وظیفه بسیار ساعی و حتی  
برخی از آنها بیش از اندازه تند و مفرط بوده‌اند. چنانکه معروف  
است که مخترع ذوقفون و خستگی‌شناس آمریکائی «ادیسون»؛  
روزی که عروسی کرده بود پس از برخاستن از مجلس مهمانی  
قبل از رفتن بخانه خواسته بود سری به آنلیه (اطاق کار) خود  
زده بعد بحجله گاه خود برود. کارهای زیاد و اشتغالات

جاذبه‌داری که آنجا داشت طوری او را مجذوب و مستغرق نموده بود که عروس را فراموش کرده تا نصف شب در آنلیه مانده بود. یکی از دوستانش بر حسب اتفاق در آنوقت از جلو اداره او میگذشته است و روشنائی چراغ در اطراف آنلیه نظر دقت او را جلب کرده بالا میآید و وارد شده «ادیسون» را مشغول می‌بیند و با کمال صمیمیت میگوید: «توم!» (نام کوچک «ادیسون» است) آخر این چه حال است شما هیچ خیال نمیکنید که امروز عروسی کرده‌اید و بایستی در خانه باشید. در جواب با کمال تعجب میگوید: مگر دیر شده است؟ رفیقش میگوید نصف شب گذشته است. «ادیسون» جواب میدهد که واقعاً جای تعجب است که اینقدر دیر است! راستی من امروز عروسی کرده‌ام و یقیناً در خانه منتظر و نگراند و من بایستی زودتر ازین در خانه باشم!

ازین مخترع معجز نمای آمریکائی که خود بنفسه تمثالی است از قدرت خالقۀ استقامت و سعی و کوشش، بسی ازین سرگذشتها نقل کرده‌اند که پیش ازیش درجهٔ عشق او را بکارهای خود ولو اینکه گاهی در درجهٔ افراط بوده نشان میدهد و اگر نه این عشق و افراط را داشت جهان مدنیّت را تا این اندازه مدیون اختراعات گوناگون و ثناخوان قدرت فکر و ذکاوت خود نمینمود. بنا برین باید قانع شد که کوشش، کلید خوشبختی و ترقی است و لهذا بچه‌ها را از کوچکی باید بکوشیدن و دوست داشتن کار عادت داد و طوری تربیت کرد که از کار کردن لذت برند و از بکاری اظهار نفرت کنند تا این صفت در طبیعت آنها جایگیر و نافذ شود و ملکه گردد.

چیزیکه در مسئلهٔ کار نظر دقت را در آمریکا جلب میکند این است که کارها و مسلك‌های كوچك و پست را هم تقدیر



میکنند و دارنده آن را هرگز حقیر و پست نمی‌شمارند چونکه اولاً می‌بینند که اکثر صاحبان ثمنول و ثروت و علمای بزرگ ابتدا آدمیان بیمایه و فقیر و بی‌علم و از طبقات پائین بوده‌اند و لهذا می‌گویند از کجا معلوم که هر شخص بی‌چیز فردا يك ملیونر و یا يك عالم متبحر نخواهد شد و ثانیاً می‌دانند که در يك هیئت جامعه مشاغل پائین و پست نیز مانند درباری، کارگری، نوکری و غیره لزوم و اهمیت دارد و قیمت يك شغل در نوع آن نیست بلکه در طرز ایفای آن است و هر کار که با يك حس مسئولیت وجدانی و با يك محبت صمیمی و با يك دقت کافی انجام داده شود آن کار هر چه می‌خواهد باشد مقدس و شایسته تمجید و حرمت است. این نکته در مقدرات ملت و در تشکیلات اداری و سیاسی او خیلی مدخلیت دارد چونکه حس منافرت و ضدیت را رفع و از بسیاری از انقلابها و شورشهای سیاسی و اقتصادی جلو گیری میکند.

## ۲ — در حیات اجتماعی

۱ — در زندگانی فامیلی اثرات تعلیم و تربیت استقلالی آمریکا ازینجا نمایان است که زن در آمریکا شایسته حرمت شمرده می‌شود و بقدر کافی و حتی بعقیده بعضی از مدققین پیش از اندازه آزادی دارد. از آنجا که دختران هم بدرجه پسران از فیض تعلیم و تربیت و تدریسات عالی بهره‌مند هستند و در اغلب شعبات علوم و فنون و مسلکهای آزاد اقتدار و لیاقت خود را نشان میدهند چنانکه رئیس بعضی از مدارس عالی و حتی دارالفنونها زن میباشد و در مدارس ابتدائی معلمات و مدیران مدارس اکثریت هیئت تدریسیه را تشکیل میدهند، لهذا هیچ عذر

و بهانه برای اینکه زنان را کمتر از مردان بشمارند پیدا نمیشود و مردان بنظر رفیق و هممسلك و همپایه بزنان نگاه میکنند و در زندگی فامیلی زن و مرد مانند دو رفیق مهربان با هم بسر میبرند و نیز چون زن هم اگر بخواهد به تنهایی بوسیله اشتغال بکارهای متعدد که تعلیم و تربیت او را آشنا کرده و در سایه استعداد و لیاقت خود امر معاش خود را راه بیندازد و زیر بار منت مرد نرود لهذا مرد نمیتواند بنظر تکبر و عظمت فروشی و خودخواهی و ولی نعمتی باو نگاه کند و او را محقر و پائین تر از خود شمارد. پس برای ادامه حسن آمیزش و یگانگی و محبت فامیلی چاره جز این ندارد که زن را هم همدوش و همراز و همدم متجانس خود بشمارد و آزادی کامل باو بدهد و همین آزادی و استقلال است که مقام زن را محترم نگاه میدارد و او را از تعقیب آمل حریصانه و مداخله در امور سیاسی و مطالبه حقوق غیر متناسب با وظایف خود بی نیاز میسازد.

ازین حیث بنا بتصدیق اکثر مدققین، مسئله اخلاق عمومی در آمریکا به مراتب بهتر از اروپاست و یکی از عواملی که بمحافظه صحت اخلاقی کمک میکند عبارت از تعلیم و تربیت مشترك پسران و دختران در یکجا میباشد که باستانی بعض ممالک در تمام آمریکا عمومیت دارد. این تربیت مشترك از بیچگی میان افراد هر دو جنس يك اشتراك و توازن حسی تولید میکند و احساسات آنها را نسبت به دیگری در حال تعادل و محبت پاك نگاه میدارد.

۲ — آزادی و استقلال، در موضوع مذاهب و ادیان نیز حکمفرماست چنانکه نه تنها در خود آمریکا ادیان و طرق بیشمار مذهبی شیوع دارد بلکه هر فکر جدید مذهبی نیز که بان قطعه وارد می شود زمینه بسیار مناسب برای نشو و نما پیدا میکند چنانکه

تاریخ پنجاه سال اخیر نشان میدهد ولی چنانکه آمریکائی هر فکر و موضوع را از نظر فایده عملی نگاه و محاکمه میکند و نسبت بآن فایده فعلی قیمتی بآن میدهد در مسئله دین و مذهب نیز همین فلسفه را تعقیب مینماید و ادیان و مذاهب مختلفه را وسایل ترقی و تعالی خود میسازد و منافع اجتماعی و عملی از آنها حاصل میکند. مسیو «فرمن روز» در کتاب خود موسوم به «آمریکای جدید»

درین باب چنین می نویسد: (۱)

«ادیان در آمریکا آزادی مطلق دارند. قانون اساسی آمریکا میگوید: «در خدمات دولتی و عمومی بهیچ وجه دین افراد منظور نخواهد شد و مجلس ملی آمریکا هرگز قانونی برای منع انتشار يك مذهب و یا برای قدغن کردن اجرای آزادانه مراسم آن وضع نخواهد کرد.»

«در آمریکا پیش از پنجاه مذهب شیوع دارد غیر از تقسیمات داخلی هر يك ازینها ولی با وجود این آزادی کسی پیدا نمی شود که بی دین باشد و هر کس ادعای بی دینی کند بنظر حقارت باو نگاه میکنند و بی دینی را ترك کردن امتیاز حقیقی انسانی می شمارند. «در دارالفنونها و مدارس عالی عادت برین است که صبحها قبل از شروع بدرس در معبد مدرسه يك مراسم دعای مختصر بجا می آورند و این آئین را رئیس و یا رئیس دارالفنون اجرا میکند و گاهی از شخص زایر و مهمان هم خواستن میکنند که چند کلمه در آنجا حرف بزنند.

«آزادی مذاهب در اخلاق مردم فوق العاده ریشه دواینده و قدرت در باره بی دینی بقدری زیاد است که ناقابل مقاومت میباشد. تحقیر تقدس و یا ضدیت با روحانیون و روحانیت چنانکه در اروپا

معمول است در آنجا رواج ندارد. آزادی فکر و یا فکر آزاد درین مملکت معنای حقیقی خود را دارد و بهیچ وجه معنی خصومت و تجاوز بعقاید دیگران و گستاخی و بی ادبی را دربر ندارد و حتی کلمه بی دینی هم بآن اطلاق نمی شود. باشخصیکه بهیچ یک از ادیان اعتقاد ندارند و خود را آزاداندیشان می شمارند جز نام «لادریون» نمیتوان داد. چونکه اینها میگویند آنچه در ماوراء طبیعت است ما نمیدانیم و نمیتوانیم هم بدانیم. بی دینی و بر ضد روحانیون شدن درین مملکت وجود ندارد و گوئی خدا این بلاها را ازین قطعه دور نگاهداشته است. حکومت و هیئت جامعه و افراد همه فواید دین را تصدیق دارند و برای حفظ عظمت آن میکوشند. این ملت بزرگ که برای زیستن و آسایش کردن عزم و اراده دارد هر چیزی را که پاکترین منبع حیات او یعنی دین را بخشکاند با بزرگترین نفرت تلقی مینماید...!»

باری در نتیجه این تعلیم و تربیت استقلالی و اجتماعی است که آمریکا بدین درجه ترقی رسیده است و تقریباً زندگانی در آنجا شکل ماشین بخود گرفته و راه افراط می یساید. گرچه اساساً این حال افراط مستحسن نیست و نباید انسان را بحال حیوان و بلکه جسم جامد انداخت و یک ماشین بخود رو ساخت و در میان خود آمریکائیان هم اشخاصی هستند که اینحال را تقبیح میکنند ولی چون ما هم از آنطرف بام در چاه تقریباً افتاده ایم لهذا پیروی ما از سعی و عمل و فعالیت و سرعت آمریکائی عجاله بسیار مفید است و اگر از حالا بتجدید وسایل زندگی خود بکوشیم شاید پس از چند قرن بحال امروزی آمریکا نزدیک می شویم.

در مدارس آمریکا استعداد عملیت بچه را با دو وسیله تحریک و تربیت میکنند که یکی از آنها بازیها و اسپورت هاست که بچه را

به بسط قوای بدنی عادت میدهد و صحت بدن آنها را محافظه کرده چابکی و چالاکی آنها را تیز و تند میکند و همیشه در حال شادی و زنده دلی نگاه میدارد و دویمی کارهای دستی است که قوای فکری و قابلیت های مخفی آنها را بیدار و مستعد می سازد و ذوق و لذتی که از درست کردن انواع بازیچه ها و یا اشیاء مختلف بدست خود حاصل میکنند آتش سعی و کوشش را در کانون بدن آنها همیشه شعله ور میدارد و بدین ترتیب سراپا منبع جنبش و عمل و دارای قوه ثبوت و اقدام و حیات آتشین می شوند.

و قتیکه این طرز تعلیم و تربیت در یک مملکت عمومیت پیدا کرد و تا زوایای بسیار تاریک پیکر اجتماعی او ریشه دوآند و در همه شئون ملی و امور سیاسی و اقتصادی نفوذ خود را نشان داد کم کم تخمهای بیکاری و فساد اخلاق در سرزمین سرنوشت آن ملت میپوسد و بجای آن گلهای عظمت و ثروت و شرافت میروید و تمام اعمال و حرکات و حتی الفاظ و حرفهای آن ملت قیمت تازه و زیاد پیدا میکند و عقاید و افکار او در ترازوی سیاست عالم وزنی سنگین و اعتباری متین کسب مینماید. بزودی در نتیجه کار و کوشش، خرابه ها آباد، شهرها مزین، بکارها مشغول، اختراعات و کشفیات روز بروز افزون، ثروت و آسایش مردم فراوان، ترقیهای گوناگون روانها و آفتاب مدنیت و سعادت درخشان میگردد!

